



جایگاه زن در ارتقای معنوی جامعه از دیدگاه امام خمینی (

صالحه شریفی*

چکیده

زنان به دلیل ظلم‌هایی که در تاریخ بشر و رژیم‌های پیشین علیه ایشان روا داشته شده، جایگاه ویژه‌ای در اندیشه امام خمینی (پیدا نمودند. مجموعه تألیفات و سخنرانی‌های ایشان در مورد زنان نشان می‌دهد که مسائل این قشر از مهم‌ترین دغدغه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ تا آنجا که می‌توان «گفتمان امام خمینی (در مورد زنان» را یکی از موضوعات اندیشه ایشان دانست. امور معنوی زنان در این گفتمان جایگاه ویژه‌ای دارد.

مهم‌ترین اصل در تعالی معنوی زنان، این است که خود بر اساس معنویت دینی‌ای ساخته شوند که آموزه‌ها و منطق اسلام بر آن استوار است. این آموزه و منطق را می‌توان در آینه اندیشه اندیشمند و اسلام‌شناس راستین، حضرت امام خمینی (نگریست. ایشان بهترین و کامل‌ترین الگویی است که جایگاه معنوی زنان را در ساختن و پرداختن جامعه بشری تبیین نموده است. این نوشتار بر آن است که در گفتمان امام (در مورد زنان، بر دیدگاه‌هایی چون خودباوری زنان، معرفی الگو، حجاب، تعلیم و تعلم، تهذیب و تقوا و انسان‌ساز بودن زنان تمرکز کند که با معنویت و نقش اجتماعی زنان ارتباط دارد.

کلیدواژه: معنویت، جامعه، زنان، امام خمینی (.

مقدمه

وجود زن مایه قوام و دوام خانواده و جامعه است؛ زیرا از سویی ایفای نقش همسری و مادری و تدبیر صحیح زن، کمبودهای مادی را از زندگی می‌راند و ارزش‌های معنوی را جایگزین می‌نماید و از سوی دیگر، وظیفه انسان‌سازی را به عهده دارد و بیشترین بار تربیت جسمی و روحی فرزندان بر دوش او قرار دارد. سلامت جامعه در گرو سلامت روحی افرادی است که از خانواده‌ها وارد اجتماع می‌شوند.

انسان در اسلام، دو بعد مادی و معنوی دارد. هدف انسان از آفرینش، رسیدن به کمال و سعادت است که قرآن، آن را «مقام عنداللهی» می‌نامد. رسیدن به این مقام وابسته به حرکت در مسیری است که خداوند تعیین نموده است و انسان در پیمودن این راه، ناگزیر از پیچ و خم‌های جامعه عبور می‌کند و کسب بسیاری از کمالات فقط با حضور اجتماعی انسان امکان‌پذیر است. حال اگر در این جامعه، معنویات حاکم باشد، انسان سریع‌تر و آسان‌تر راه تعالی و هدایت را می‌پیماید. امام خمینی (در مورد ضرورت وجود معنویت در اجتماع، می‌گوید:

آقایان محترم، خانم‌های محترمتان، ندای اسلام را لبیک بگویند. اسلام برای تأمین علف نیامده، اسلام برای تأمین معنویات آمده است. همه‌اش فریاد از مادیات نباشد که برخلاف مسلک اسلام است. معنویات اگر تحقق پیدا کرد، مادیات به دنبالش است. اسلام مادیات را به تبع معنویات قبول دارد، مادیات را مستقلاً قبول ندارد. اساس، معنویات است؛ یک کشور با معنویاتش کشور است.¹

جامعه همانند انسان دارای جسم و روح است. جسم جامعه، همان بُعد ظاهری اجتماع، کنش‌ها و واکنش‌های جامعه است. روح جامعه نیز معنویت و گرایش‌های دینی و الهی افراد آن است. جامعه بدون معنویت مانند کالبد بدون روح است؛ افراد به اهداف متعهد نیستند و این جامعه به اهداف متعالی خویش نخواهد رسید.



باید دانست که مراد از امور معنوی، اموری است که بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام باشد و منظور از جامعه نیز جامعه اسلامی است.

آنچه ضرورت این تحقیق را نشان می‌دهد، پاسخ به این پرسش اصلی است که در اندیشه امام خمینی (زنان در زمینه رشد معنویات در جامعه، چه جایگاهی دارند؟ پاسخ مقدماتی این نوشتار به این پرسش چنین است که از دیدگاه امام خمینی (زنان که نیمی از جامعه انسانی‌اند، نقش بی‌بدیل و غیرقابل جایگزینی در بالا بردن سطح معنویات در جامعه دارند. اهمیت نقش آنان از اینجا دانسته می‌شود که زنان به علت داشتن روحی لطیف‌تر و عاطفی‌تر نسبت به مردان، گرایش بیشتر و ژرف‌تری به امور معنوی دارند و اگر این گرایش، به عنصر اندیشه زینده شود، هم سعادت زن و هم تعالی جامعه را تضمین می‌کند.

زن در نگرش اسلامی

خداوند متعال جلوه‌ای از جمال خود را در وجود زن به تجلی آورده و برای زن که آیت حق و نشانه قدرت و حکمت پروردگار در جهان است، در فرایند تعلیم و تربیت نسل، جایگاهی ویژه قرار داده است. زن مظهر عاطفه، مهر و محبت است که همگی از مظاهر جمال حق‌اند و این عوامل، خمیرمایه اصلی رشد و تربیت نسل صالح را تشکیل می‌دهند.² زنان همانند مردان، شایستگی رسیدن به مراحل عالی کمال را دارند و از این حیث تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد. مؤید این سخن ما این آیه شریفه است: «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده...»³ ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید... پروا کنید». آیه خط بطلان بر پندارهای غلط آنانی می‌کشد که خلقت زن را از ماده‌ای پست‌تر از مرد می‌دانند و انسانیت او را در درجه دوم می‌انگارند و با این اندیشه موهوم، بسیاری از حقوق زنان را نادیده گرفته، یا آنها را نقض می‌کنند.

بنابراین؛ جایگاه زن در جامعه اسلامی، همانند مردان است و در اختصاص امکانات و یا فرصت‌های اجتماعی نمی‌توان سهم آنان را در نظر نگرفت. قرآن، همواره جامعه انسانی را مورد خطاب قرار داده و ذکوریت و انوئیت را در مباحث اخلاقی و عرفانی دخالت نمی‌دهد و با عباراتی همچون «یا ایها الذین آمنوا» و «یا ایها الناس» برابری زنان و مردان را در راه کمال گوشزد می‌کند. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

در بینش اسلام، زن از نظر معرفت، اندیشه، فکر و قُرب به خداوند مانند مرد است و به هیچ وجه نباید با زن با افراط و تفریط و دون شأن او برخورد کرد. زن و مرد دارای وظایف و مسئولیت‌های مشترک و نیز اختصاصی هستند که باید به دقت شناخته و تبلیغ شود.⁴

در مکتب اسلام، جنسیت در انسانیت نقشی ندارد؛ چرا که جنس زن و مرد از جسم است و اگر جسم، نقشی در انسانیت انسان داشت - تمام ذات یا جزو ذات بود - می‌شد سخن از مذکر و مؤنث بودن گفت و بحث کرد که آیا این دو صنف متساوی‌اند یا متفاوت؟ ولی اگر حقیقت هر کس را روح او تشکیل داده و جسم او ابزاری بیش نیست که گاهی مذکر و گاهی مؤنث است (روح، نه مذکر است و نه مؤنث)، پس بحث از تساوی زن و مرد یا تفاوت این دو صنف در مسائل مربوط به حقیقت انسان رخت برمی‌بندد و اگر در جایی سخن از تساوی به میان نیامد، سخن از تفاوت هم پیش نخواهد آمد.⁵

بنابراین ارزش‌ها و کراماتی که قرآن برای انسان بر شمرده است، منحصر در جنس مذکر نیست، بلکه مخاطب آن، همه انسان‌ها - زن یا مرد - است؛ آیاتی همانند:

ولقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البسر والبحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً.⁶

ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در دریا و خشکی حمل کردیم و انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.



افزون بر مقاماتی که برای انسان گفته شده، زنان از موقعیت ممتاز دیگری نیز برخوردارند که مردان از آن کم بهره و یا بی بهره‌اند. این جایگاه عبارتند از: پرورش و آماده‌سازی انسان برای ظهور فعلی جایگاه اخص، مسئولیت‌پذیری، اصلاح و تهذیب نفس، بندگی خدای متعال در بعد ارادی و اختیاری، شناخت صحیح هستی، دین، دنیا و تحقق بخشیدن به غرض آفرینش در مرحله تشریح.⁷

مقام مادر بودن و انسان‌ساز بودن، مسئولیت عظیمی بر دوش زن است؛ مسئولیتی که انجام صحیح آن، محور صلاح فردی و اجتماعی بوده، انجام نادرست آن، فساد فردی و اجتماعی را پایه‌ریزی می‌کند، وظیفه‌ای که خداوند در برابر انجام آن، بهشت را در زیر پای مادران نهاده است.⁸ زن در مرتبه روح انسانی دارای اختیار، اراده، عقل، فطرت خداگرا و بی‌نهایت‌طلب است. وظیفه ارادی او با توجه به خداگرایی، خواسته‌ها و فطرت‌ها را هدایت می‌کند و به ابعاد مختلف وجودی خود رنگ توحید می‌بخشد تا به حیات طیب انسانی نایل شود.

به فرموده مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، آرمان‌گرایی در اسلام و گرایش به سمت قله‌ها و اوج‌ها و آرمان‌ها، قطعی و حتمی است. زن مثل مرد و مثل همه خلایق باید در این سمت حرکت کند. این، با گرایش‌های غلط و چیزهای صددردصد شخصی و بی‌ارزش نمی‌سازد.⁹

اسلام آن علو رتبه را جایگاه حتمی زن می‌داند و سلوک به سوی آن را لازم می‌شمرد و راه آن را با ارزش‌گذاری و مقررات و احکام، هموار ساخته است. فرهنگ غرب و بینشی که پایه آن است، اگر منزلت را نیز ارزانی زن کند، یارای آن ندارد که وارستگی از لذات و شهوات و سرگرمی‌های حقیر را از شخصیت زن جدا سازد. غرب، این لذات را اصل می‌داند و پایه قضاوت خود درباره جوامع و عقاید قرار می‌دهد.¹⁰

بنابراین دیدگاه اسلام درباره زنان، دیدگاهی پیش‌رو و در عین حال متعادل است.

اسلام زن را همچون مرد، انسان می‌داند که سه ویژگی مهم انسانی یعنی اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقا و کمال را دارا است و از امکان رشد و کامیابی برخوردار است. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

یوم تری المؤمنین والمؤمنات یسعی نورهم بین یدیهما و بایمانهم بُشراکم
الْیوم جنّات تجری من تحتها الانهارُ خالدین فیها ذلک هو الفوز العظیم.¹¹
به یاد آور روزی را که مردان و زنان مؤمن، شعشعه نور ایمانشان پیش رو
و سمت راست آنها بشتابند و مژده دهد که امروز شما را به بهشتی که نه‌رها
زیر درختانش جاری است و بشارت باد که در آنجا جاودان خواهید بود و این،
همان سعادت و کامیابی بزرگ شماست.

جایگاه زن در جامعه غربی

بسیاری از غربیان و غرب‌زدگان، اسلام را متهم کرده‌اند که زن را جنس دوم و فروتر از مرد می‌داند که در آفرینش، نقش طفیلی دارد. اینان برای اثبات مدعای خویش گفته‌اند که ادیان الهی، آفرینش نخستین زن (حوا) را پس از مرد و از دنده چپ آدم می‌دانند. پوشیده نیست که مطلب فوق نسبتی ناروا - دست کم به دین اسلام - است که از بی‌توجهی به معارف اسلامی پدید آمده است.¹²

وضعیت کنونی جوامع امروزی نشان می‌دهد که بسیاری از زنان، ارزش الهی و انسانی خویش را نشناخته‌اند و در مسیری که جز انحطاط و سقوط ارزش‌ها نیست، قرار گرفته‌اند. اگر زن در جایگاه اصلی خویش قرار گیرد و مرد با حفظ احترام و موقعیت زن و بزرگ شمردن مسئولیت او، به وظیفه الهی خود در مورد زن عمل کند، این همه فتنه و فساد در اجتماع بشری راه نمی‌یابد. جامعه‌های بشری به گونه‌ای دگرگون شده‌اند که در وجود کودکان، میل به گناه و انحراف اخلاقی بر میل به فضایل انسانی برتری دارد. دنیایی که اساس آن بر سرمایه و سود بنا شده است، کارکردی جز این نمی‌تواند داشته باشد. امروزه زن، محکوم هوا و هوس اجتماع



است، نه عنصری در متن اجتماع. نقش اجتماعی زن در بسیاری از جوامع، ایجاد فساد اخلاقی و روابط نامشروع است و نه مریی بودن.

با این وجود، نه می‌توان و نه باید وضعیت تمام زنان و جوامع را یکی دانست؛ چرا که وضعیت زنان در جوامع مختلف با هم تفاوت دارد. در جوامع اسلامی و مناطقی از جهان که دین‌داری رایج است، زنان به طور نسبی از حقوق انسانی خویش برخوردارند و مورد احترام قرار می‌گیرند. این وضعیت در جوامع ماشینی و مناطقی از جهان که از معنویت و دیانت بی‌بهره یا کم‌بهره‌اند، متفاوت است. در این جوامع به نام تأمین آزادی زنان، بیشترین سودجویی و سوء استفاده از آنان می‌شود؛ به بهانه آزادی و حقوق اقتصادی، شاق‌ترین کارها بر دوششان گذاشته می‌شود و به بهانه آزادی مدنی و اجتماعی، حریم قدسی زنان در معرض تاراج هرزه‌ها قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، زنان در جوامع صنعتی و عقب‌مانده به یک اندازه مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند. در جامعه صنعتی، ارزش و حرمت زنان با ولنگاری‌های اجتماعی شکسته می‌شود و در جوامع عقب‌افتاده، حقوق ابتدایی و انسانی زنان، بازیچه خودکامگی مردان واقع می‌شود. این به معنای آن است که زنان بدون آنکه عالم واقعیت را ببینند، مستقیماً در عالم مجازی قرار گرفته‌اند.

در واقعیت، زن همانند مدرسه‌ای است که اگر آن را نیکو بسازی و مهیا نمایی، ملتی پاک‌نهاد ساخته‌ای. از این رو عالمان، اندیشمندان، رهبران، مصلحان و مسئولان تربیتی جامعه، به مسائل زنان اهمیت بسیار داده‌اند و جامعه را به کرامت، عدالت و رفع ستم نسبت به آنان فراخوانده‌اند تا بتوانند در مسایل آموزشی، تربیتی و مشاغل متناسب با طبیعت و سرشت اجتماعی و توان جسمی و روحی و تحمل مسئولیت‌های ویژه خویش و انتخاب همسر و تشکیل خانواده و زندگی مشترک، منصفانه به حقوق مسلم و متناسب خویش دست یابند.¹³

نقش زنان در ارتقای معنویت جامعه از دیدگاه امام (

امام خمینی (همان گونه که در مسائل مختلف، دیدگاه‌ها و نظرات روشن و سازنده‌ای داشت و هم‌اکنون با گذشت دو دهه از رحلت ایشان، نظرها و اندیشه‌های آن اندیشمند بزرگ اسلام در مسائل مختلف بررسی می‌شود، در مورد زن و اهمیت نقش او نیز دیدگاه‌های جامعی بر اساس جهان‌بینی مکتب اسلام دارد. فهم جایگاه انسان و به دنبال آن جایگاه و نقش زن مسلمان، در گرو شناخت جهان‌بینی اسلامی است. امام راحل از معدود کسانی بود که به این جهان‌بینی کامل، دست یافته و به جایگاه والای شخصیت زن پی برده بود: «مقام زن مقام والاست، عالی‌رتبه هستند، بانوان در اسلام بلندپایه هستند».¹⁴

در دوران حکومت پهلوی، همچون عصر جاهلیت، شخصیت زن در زیر چرخ‌های بی‌عدالتی و تبعیض خرد می‌شد و زن، بازیچه‌ای در دست هوس‌بازان بود. از نظر شاهان پهلوی، زن باید فریبا باشد. زن فریبا، نسخه بدلی و استعاری از تصویر زن در جامعه غربی بود که در آن کرامت و شخصیت واقعی زن در مسلخ فلسفه مادی غرب، قربانی شده بود.

امام خمینی (هوشیارانه، نقش زن فریبا را در ابتدال جامعه و خودباختگی جوامع اسلامی درک نمود و در برابر این دسیسه‌چینی زیرکانه و - تا حدودی - تلطیف شده، قاطعانه ایستاد و با آن مقابله نمود. برای این کار، امام (به احیای شخصیت زن مسلمان پرداخت و در چارچوب جهان‌بینی توحیدی و مقام انسانی زن که خلیفه الله و صاحب کرامت و معنویت است، جایگاه و نقش زن در اجتماع را تبیین نمود.

امام، زن را نه مظهر فریب و بازیچه‌گی، که مبدأ خیرات و سعادت می‌دانست و می‌خواست از وجود زن در ارتقا و تعالی جامعه استفاده کند، او را موجودی بس باکرامت و عظمت می‌دید که سعادت و شقاوت جامعه تا حد زیادی به دست اوست. بر این اساس یک جامعه خوشبخت، جامعه‌ای است که زنانش خوب تربیت شده



باشند و در جهت پرورش و هدایت، پیش‌رو و نمونه باشند.¹⁵

امام (هدف خود را از احیای شخصیت زن این‌گونه بیان می‌نماید: «ما می‌خواهیم زن در مقام والای انسانیت خودش باشد، نه ملعبه در دست مردها باشد و نه ملعبه در دست اراذل»¹⁶).

حال باید دید چرا امام (به این مسئله توجه زیادی داشت و کوشش نمود که شخصیت و هویت زن مسلمان را بنماید و زنان را از مقام و مرتبه خودشان آگاه سازد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که این اصرار و تأکید امام (، بدان دلیل است که معتقد بود اگر زنان جامعه در حفظ حقوق و آگاهی و صیانت از حریم حجاب و عفاف خود بکوشند، از درون این جامعه مردانی پاک پدید می‌آیند و امکان رشد و ظهور افرادی همچون رضاخان و محمد رضا شاه به وجود خواهد آمد. بها دادن امام (به رشد و کمال زن به این دلیل بود که زنان را وسیله رشد و تعالی جوامع و ملت‌ها می‌دانست و یقین داشت که اگر نقش مهم و خطیر انسان‌سازی زنان در جامعه‌ای به ابتدال و انحطاط سوق داده شود، آن جامعه و افرادش به نابودی و گمراهی کشیده می‌شوند: «اگر زنان شجاع و انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند»¹⁷ در جایی دیگر، امام (تعبیر زیبا و جامعی را در مورد نقش زنان در پیشبرد جامعه به سوی تعالی و کمال دارد. ایشان می‌فرماید: «زن، مظهر تحقق آمال بشر است»¹⁸.

با این تعبیر حضرت امام (این عبارت بار معنوی ژرفی را با خود می‌آورد. انسان، اشرف مخلوقات است و این شرافت، شامل هر دو جنس مرد و زن می‌شود. حال این پرسش مطرح می‌شود که انسان با داشتن چنین جایگاهی، چه خواسته‌هایی دارد که زن در ظهور و بروز آنها نقش پیدا می‌کند. آیا جز این است که هدف جامعه سالم، رسیدن به کمال و دستیابی به فضایل انسانی است؟ آیا آمال جامعه اسلامی جز آن است که بال و پر معنویت در جامعه گسترانیده شود تا راه برای حرکت به سوی مقام

قرب الهی هموار شود؟

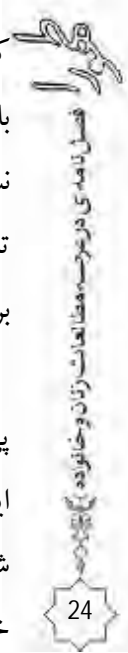
زن در دیدگاه امام (در مرحله اول، انسان و سپس مادر، نقش برجسته‌ای در رشد و گسترش معنویات در اجتماع دارد. امام (شروع صلاح و فساد یک جامعه را از دامن زن می‌داند:

نقش زنان در عالم از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد. زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده می‌شوند، می‌تواند بالعکس آن باشد.¹⁹

با روشن شدن نقش زن در سعادت و شقاوت جوامع انسانی در اندیشه امام (، اینک به بررسی برخی از عوامل مؤثر در گرایش زنان به معنویت و رشد امور معنوی در آنان پرداخته می‌شود.

از نظر امام (برای اینکه زنان به ارزش‌های خود آگاه شوند و در پی کسب کمالات انسانی برآیند، باید به شناساندن جایگاه و ارزش واقعی زنان پرداخت. سپس باید به زنان الگوی کامل و عالی نشان داد تا آنان جذب الگوهای دروغین دشمنان نشوند. در گام‌های بعدی زنان باید به تحصیل علم، تقوا و کمالات انسانی و الهی تشویق و هدایت شوند و اهمیت حجاب و تربیت فرزند را در سعادت و رشد جامعه برای بانوان دریابند و از خطرات پیش‌رو آگاه شوند.

امام (در بیانات خویش به عواملی اشاره می‌کند که در تکامل معنوی زنان و - در پی آن - جامعه نقش برجسته‌ای دارد. در این نوشتار به نکات محوری اندیشه امام (در این مورد اشاره می‌کنیم. اگرچه عوامل دیگری نیز در اندیشه امام (به اختصار بیان شده، ولی به طور کلی، عوامل رشد معنویات در جامعه به وسیله زنان و از منظر امام خمینی (عبارتند از:



1. خودباوری زنان

امام خمینی (برای درمان خودباختگی زنان، ارزش وجودی آنان را گوشزد می‌کند و زنان را هم‌تراز مرد و نه پایین‌تر، قلمداد می‌نماید. همچنین زنان را شایسته کسب کمالات عالی انسانی و سیر الی‌الله می‌داند:

از برای زن، ابعاد مختلفه است و چنانچه برای مرد و برای انسان. این ورق صوری طبیعی، نازل‌ترین مرتبه انسان است و نازل‌ترین مرتبه مرد است. لکن از همین مرتبه نازل، حرکت به سوی کمال است. انسان، موجودی متحرک است از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب تا مرتبه فنا در الوهیت.²⁰

امام (با تأکید بر امکان حرکت معنوی از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب و فنا در الوهیت برای زن، خواهان رسیدن زنان به خودباوری بود؛ زیرا در غیر این صورت، زنان دچار خودباختگی و بیگانه‌گرایی می‌شوند. از پیامدهای غرب‌گرایی، کاهش روزافزون معنویات و غلبه مادیات بر جوامع بشری است که ترویج فساد و فحشا و نابودی ملت‌ها را در پی دارد. امام (همواره می‌کوشید ارزش‌های زن را جلوه‌گر سازد و ارزش واقعی زن را به او نشان دهد و در این کار از پیامبر 9 پیروی می‌نمود؛ زیرا رسالت بزرگ پیامبر اکرم 9 در آغاز بعثت، احیای هویت و دفاع از حقوق مظلومین و به ویژه زنان بود. امام (از خدمت بزرگی که اسلام به زن نموده است، چنین یاد می‌کند:

اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند. اسلام زن‌ها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود. آن قدری که اسلام به زن خدمت کرده است، خدا می‌داند به مرد خدمت نکرده است. شما نمی‌دانید که در جاهلیت، زن چه بوده و در اسلام چه شده.²¹

در جایی دیگر در مقایسه زمان ظهور اسلام و دوران حکومت پهلوی و ظلم و ستم‌های وارد شده بر زنان، چنین می‌فرماید:

مع الأسف زن در دو مرحله مظلوم بود و اسلام منت گذاشت بر انسان و زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید و مرحله جاهلیت مرحله‌ای بود که زن را مثل حیوانات بلکه پایین‌تر از او در نظر می‌گرفتند. زن در جاهلیت مظلوم بود. اسلام زن را از آن لجن‌زار جاهلیت بیرون کشید. در یک موقع دیگر در ایران ما، زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق و شاه لاحق بود؛ با اسم اینکه زن را می‌خواهند آزاد کنند، ظلم کردند به زن. زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند. زن را از آن مقام معنویت که داشت شیء کردند.²²

امام خمینی (زنان را اعضای فعال و مترقی به سوی کمال می‌داند و او را موجودی برتر از اندیشه‌های استثمارگرایی غرب معرفی می‌کند؛ اندیشه‌ای که زن را کالا و بازیچه مردان ساخته بود.

اسلام به زن‌ها آنقدر احترام قائل است که برای مردها نیست، اسلام شما را می‌خواهد نجات بدهد. اسلام شما را می‌خواهد از این ملعبه‌ای که اینها می‌خواهند شما را ملعبه قرار بدهند، نجات بدهد. اسلام می‌خواهد شما را یک انسان کامل تربیت کند.²³

گویا هدف امام (از ایجاد خودباوری در زنان، تحقق سخن حضرت علی % بود که فرموده: «من عرف نفسه فقد عرف ربه».²⁴

اندیشه رشد معنوی و اخلاقی باید فکری رایج در میان خود زنان باشد. بانوان، خود بیشتر باید به این مسئله بیندیشند. آنان باید به معارف و مطالعه رو کنند.

2. معرفی الگو

یکی از شیوه‌های تربیتی خداوند در قرآن کریم، معرفی الگو است و می‌فرماید: «لقد کان فی رسول الله اسوة حسنة»²⁵. هدف اسلام معرفی الگوی خوب و متعالی است تا انسان‌ها به سراغ الگوهای ساختگی نروند. امام خمینی (که اسلام‌شناسی واقعی است،

به اهمیت الگوتلپی و الگوسازی و نقش شگرف آن در شکل‌گیری شخصیت زن پی برد و از این شیوه استفاده نمود. از این رو، سعی بر شناساندن الگوی کامل و جامعی از زن دارد تا زنان، او را سرمشق خود قرار دهند تا با پیروی از او، پیمودن راه سعادت و نیل به کمالات انسانی فراهم شود.

امام خمینی (با اشراف بر آموزه‌های برتر اسلامی، چهره و شخصیتی متعالی از زن کشف می‌کند که به بهترین شکل در حضرت زهرا 3 نمود یافته است. این نگرش، به امام امکان می‌دهد که آرمان‌ها و خواسته‌های برتر و مهم‌تر از همه منزلت و شأن زن را تبیین کند؛ چرا که امام (برای تعریف زن به عروة الوثقی الهی دست می‌یازد که کسی را یارای انکار آن نیست. امام (، حضرت زهرا 3 را تصویر مثالی زن توصیف می‌کند، ابعاد شخصیت او را می‌کاود و نتیجه می‌گیرد به این دلیل که زنان می‌توانند «از خاک تا افلاک» به سوی او اوج بگیرند و «حجاب طبیعت را به کنار نهند و تا مرتبه غیب، فنا و الوهیت پیش روند»، شایستگی هر رشد و ترقی و منزلتی را دارند.²⁶

امام (، حضرت زهرا 3 را نماد تحقق ارزش‌های والای خلیفه الله در جهان می‌داند و آن حضرت را دارای مقام کرامت و معنویت معرفی می‌کند: «...روز شرافتمند [زن]، عنصر تابناکی که زیربنای فضیلت‌های انسانی و ارزش‌های خلیفه الله در جهان است».²⁷

امام (می‌دانست که اگر زنان به این الگوی کامل تمسک جویند، به عزت، شرافت و اصول اسلامی پایبند خواهند ماند و روز به روز بر کمالات باطنی‌شان افزوده خواهد شد و هرگز به سوی فساد و بی‌بندوباری کشیده نخواهند شد. در نتیجه جامعه نیز از صراط مستقیم، منحرف نمی‌شود و بر بار معنوی آن افزوده خواهد شد و افراد آن جامعه با سلامت روح از دریچه اخلاق اسلامی به زندگی می‌نگرند. به این دلیل امام (زنان را به پیروی و سرمشق گرفتن از حضرت زهرا 3 و خاندان پیامبر 9 تشویق می‌نمود: «ما باید سرمشق از این خاندان (پیامبر 9) بگیریم. بانوان ما از بانوانشان و مردان ما

از مردانشان، بلکه همه ما از همه آنها».²⁸

امام (می دانست که اگر الگوی صحیح و مناسبی به زنان نشان داده نشود، زنی جوان، الگوی خود را هنرپیشه‌ای ژاپنی معرفی می کند و موجب تأسف امام (می شود: «با کمال تأسف و تأثر روز گذشته²⁹ از صدای جمهوری اسلامی مطلبی در مورد الگوی زن پخش گردیده است که انسان شرم دارد که بازگو کند».³⁰

3. حجاب اسلامی

یکی از عوامل رشد معنویت زن مسلمان، رعایت پوشش اسلامی است. پیرامون موضوع حجاب، گاه شبهات و اشکالاتی وارد شده که بیان آنها در این مجال نمی گنجد. شرع مقدس اسلام برای حفظ برخی مصالح و جلوگیری از برخی مفسده‌ها، زنان را به رعایت حجاب اسلامی مکلف نموده است. فلسفه وجودی حجاب، از طریق عقل نیز قابل اثبات است؛ همان طور که انسان اجناس گران بها و باارزش را در محل امنی قرار می دهد تا از دستبرد غارتگران و سارقان مصون بماند، زن نیز که از نظر اسلام دارای ارزش بسیار والایی است، برای مصون ماندن از آفات اجتماعی و رهزنان دین، در حجاب قرار گیرد. اندیشمندی فلسفه حجاب را این گونه تبیین می کند: «علت حجاب، این است که چون زن، مظهر ذات الهی است و ذات همیشه در حجاب است، پس زن نیز باید حجاب داشته باشد؛ چون مظهر ذات است و ذات هیچ وقت ظاهر نمی شود، مگر در حجاب».³¹

امام (نیز حجاب را موجب حفظ شخصیت زن، پیشرفت جامعه و دور ماندن آن از ابتدال می داند و بر این باور است که با حفظ حجاب، ارزش های والای انسانی محفوظ می ماند و معیارهای معنوی در جامعه سیر صعودی به خود می گیرد.

البته باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ ارزش های شماست. هرچه را که خدا دستور فرموده است (چه برای زن و چه برای مرد) برای این است که آن ارزش های واقعی که اینها دارند و ممکن است



به واسطه وسوسه‌های شیطانی یا دست‌های فاسد استعمار و عمال استعمار
پایمال می‌شدند، اینها (ارزش‌ها) زنده بشود.³²

تأکید حضرت امام (بر حجاب، بیانگر روشن‌بینی ایشان در لزوم نگاهبانی
ارزش‌های اسلامی و جلوگیری از مفسد ناشی از رعایت نکردن حجاب است. ایشان
نه فقط حجاب را مانع کسب علوم، فضایل و فرهنگ نمی‌دانست، بلکه آن را موجب
تقویت حریم عفاف، تحکیم ارزش‌های انسانی، پالایش روح و عامل استحکام
خانواده می‌شمرد.

اگر در جامعه‌ای زنان، پوشش اسلامی را رعایت نکنند و این مهم به دست
فراموشی سپرده شود، فساد و انحراف‌های اخلاقی آن را فراخواهد گرفت. نباید از
مادری که با ولنگاری اخلاقی، مسئولیتی در قبال فرزندانش احساس نمی‌کند، انتظار
داشت که فرزندان سالم به اجتماع تحویل دهد. همچنین اگر زنان دچار فساد عقیدتی
و سپس اخلاقی شوند، افراد فرصت‌طلب و بیمار دل از این موقعیت استفاده نموده، زنان
را بازپچه خویش قرار می‌دهند که حاصل، گسترش فحشا، از بین رفتن ارزش‌های
انسانی و بی‌حرمتی به کرامت و شرافت مقام زن است.

با توجه به اهمیت حجاب در رشد کرامت زنان، حضرت امام (از کشف حجاب
رضاخانی که به تقلید از فرهنگ غرب در ایران اجرا شد، به «نهضت ننگین» تعبیر
می‌کند و این کار رضاخان را الگوبرداری از پوشش زنان اروپایی و مایه ننگ کشوری
اسلامی می‌داند:

روحانی می‌گوید این کشف حجاب ننگین یا نهضت با سرنیزه برای کشور
ضررهای مادی و معنوی دارد و به قانون خدا و پیغمبر حرام است. روحانی
می‌گوید این کلاه لگنی پس‌مانده اجانب، ننگ کشور اسلام است و استقلال ما
را لکه‌دار می‌کند و به قانون خدا حرام است.³³

4. آموزندگی و آموزگاری زنان

یکی از اهداف بعثت انبیا، تعلیم و تربیت انسان‌ها است. پیامبر اکرم ⁹ در مورد وجوب فراگیری علم می‌فرماید: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة»³⁴ علم، فریضه‌ای است که بر هر مرد و زن مسلمان واجب است» و اختصاص به قشر خاصی ندارد. تعبیر امام (از مضمون حدیث نبوی چنین است: «در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد»³⁵).

بنابراین، آموختن علم بر هر زن و مرد واجب است، ولی بر زنان چون مربی و معلم کودکان خویش‌اند، ضروری‌تر است. در پی دانش بودن، ارزشی قابل تقدیر است و چه نیکوست که این علم، علوم دینی باشد؛ علمی که معرفت انسان را نسبت به هستی، خالق، مبداء و معاد و هدف آفرینش بیشتر می‌نماید.

گرایش زنان به تحصیل، پس از انقلاب اسلامی در ایران گسترش یافت؛ تا جایی که امام (دستور به تأسیس نهاد «نهضت سوادآموزی» داد که بیشترین خدمت را به زنان نمود؛ زیرا آن روزها جمعیت زنان بی‌سواد از مردان بی‌سواد، بسیار بیشتر بود. پس از انقلاب اسلامی، حضور چشمگیر زنان در دانشگاه‌ها و مدارج عالی تحصیلی پیدا است. این تغییر در تحصیل زنان، دامنه‌اش به حوزه‌های علمی نیز کشیده شد؛ زنان بسیاری وارد حوزه‌ها شدند و به آموختن علوم و معارف اسلامی مشغول شدند. امکانات تحصیلی در کشور به قدری برای زنان فراهم شد که بانوان مسلمان از سایر کشورهای اسلامی نیز به ایران رهسپار شدند.

امروز تمام قشرهای ملت مشغول تربیت و تعلیم هستند. الان بانوان جزو طلاب علوم دینی در قم و در جای دیگر هستند و خودشان در هر جا هستند مشغول تربیت و تعلیم هستند و این یک امری است که در انقلاب تحقق پیدا کرد.³⁶

از مصادیق عینی گسترش و رواج فراگیری علوم دینی در میان زنان، تأسیس حوزه علمیه «جامعة الزهرا 3» در شهر مقدس قم است. این حوزه بانوان مسلمان را با معارف



اسلامی آشنا می‌سازد. امام (در مورد این مرکز می‌فرماید:

از آنجا که علوم، خصوصاً علوم اسلامی اختصاص به قشری دون قشری ندارد و بانوان محترم ایران در طول انقلاب ثابت نمودند که هم‌دوش مردان می‌توانند حتی در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی خدمت ارزشمندی به اسلام و مسلمانان نمایند و در تربیت و تعلیم جامعه بزرگوار پیش‌تاز باشند و اکنون بحمدالله تعالی مؤسسه‌ای در شهر مقدس قم، شهر علم و جهاد برای تعلیم و تربیت بانوان محترم در دست ساختمان است و امید است با کوشش علمای اعلام و مدرسین حوزه علمیه قم، این مقصد اسلامی جامه عمل پوشد و در رشد فکری و شکوفا شدن دانش اسلامی بانوان قدم مؤثری باشد.³⁷

تعلیم و تعلم زنان باید از دوران کودکی، به شیوه اسلامی و در همه ابعاد انسانی باشد تا تحول روحی دختران را فراهم آورد؛ زیرا تحول روحی است که استقلال، آزادی، سلامت، ترقی، تعالی و تحقق ارزش‌های انسانی را برای جامعه به ارمغان می‌آورد.

علمی که از آن بحث شد، علمی است که انسان و زن را به مقام عنداللهی سوق می‌دهد تا «العلم نور یقذفه الله فی قلب مؤمن»³⁸ محقق شود. در غیر این صورت، علمی که شامل محفوظات و اصطلاحات باشد، نه فقط فرد را به مقصد نزدیک نمی‌کند، بلکه حجابی می‌شود بین او و هدفش؛ آن‌گونه که گفته‌اند: «العلم هو الحجاب الاکبر».

5. تهذیب و تقوا در زنان

در ادامه بحث آموزندگی و آموزگاری زنان، لازم است به تهذیب نفس نیز پرداخته شود؛ زیرا در اسلام به علمی سفارش شده که همراه تزکیه روح باشد تا بتواند وسیله هدایت قرار گیرد. البته علم به خودی خود شرافت و ارزش دارد، ولی اگر دانشی بدون تهذیب و تزکیه روحی باشد، ممکن است وسیله گمراهی شود. در قرآن هر جا سخن از تعلیم به میان آمده در کنار آن تزکیه نیز گفته شده و در همه موارد (نه جز یک مورد) تزکیه بر تعلیم مقدم نیز شده است و تعلیم و تزکیه را رسالت پیامبران دانسته

است. حضرت امام (می فرماید:

انبیا آمده‌اند که انسان بسازند، انبیا مأمورند که افرادی را که بشر هستند و با حیوانات فرق ندارند، اینها را انسان کنند، تزکیه کنند، شغل انبیا همین است، باید شغل مادرها هم همین باشد، نسبت به بچه‌هایی که در دامن‌شان است و با اعمال‌شان آنها را تزکیه کنند.³⁹

در این کلام امام (هم اشاره به رسالت انبیا شده و هم اشاره به وظیفه مادران. بخشی از فلسفه وجودی تهذیب در مادران نیز در آن آمده است. اگر بانوان مسلمان در کنار آموختن علوم دینی به تهذیب نفس و تزکیه روحی خود نیز همت گمارند و در پی آن فرزندانی پاک تحویل جامعه دهند، سعادت آن جامعه تضمین می‌شود.

باید این تربیت‌های طاغوتی در جوان‌های ما و در این نسل به تربیت‌های انسانی و اسلامی متحول شود و امید است که از دامن مادرها شروع بشود و به دانشگاه و بالاتر ختم بشود. سعادت یک ملت به این است که سران آن ملت و کسانی که مقدرات آن ملت به دستشان است، تزکیه شده باشند.⁴⁰

حضرت امام (تهذیب نفس را برای همه و به ویژه برای بانوان لازم و ضروری می‌داند؛ زیرا مادر مذهب، فرزند خویش را با کمالاتی که خود کسب نموده، تربیت خواهد کرد و آن کمالات باطنی بر کودک، اثر مستقیم روحی و معنوی خواهد گذاشت؛ چه در دوران بارداری، چه در سال‌های شیردهی، چه در کودکی و چه پس از آن. از سوی دیگر، مادر آراسته به کمال روحی، به دلیل پیوند عاطفی با اعضای خانواده، می‌تواند با رفتار پسندیده و نیکو، بر فرزندان اثر گذارده و آنها را به خودسازی ترغیب نماید که اگر چنین شود اهداف اسلام، محقق می‌شود و آرمان‌های متعالی انبیا به ثمر می‌نشیند.

برنامه طویل‌المدت برای شما جوان‌ها، برای شما خانم‌ها، برای همه این است که اگر شماها یک انسان مذهب باشید، مقاصد اسلامی را پیش می‌برید.



اگر این خانم‌ها بچه‌های مذهب بار بیاورند، بچه‌های اسلامی بار بیاورند، شما هم دین‌تان و هم دنیاتان محفوظ است.⁴¹

توجه ویژه امام (به تهذیب و تزکیه زنان بدین دلیل بود که معتقد بود زن می‌تواند همانند مرد، به اخلاق پسندیده مزین شود و در جهاد اکبر که همان مبارزه با هوای نفس است، پیروز شود. آن عارفِ عامل، در کتاب‌های شرح چهل حدیث، مصباح الهدایة و سر الصلوة که شامل مباحث اخلاقی می‌باشند، روی سخنش با مطلق انسان است؛ زن یا مرد. در مصباح الهدایة می‌فرماید: «کتاب من، چراغ هدایت به سوی خلافت و ولایت است، راهگشای انسان‌هاست برای رسیدن به حقیقت محمدی 9 و حقیقت علی 10» و سخنی از مرد یا زن نیست.

بنابراین، زنان باید همچون سایر انسان‌ها برای تزکیه باطن اقدام کنند و در این مسیر به تهذیب فرزندان‌شان نیز توجه داشته باشند و کودکان را تربیت اسلامی نمایند که اگر غیر از این باشد به فرموده امام (: «هم اسلام به باد می‌رود و هم کشور»⁴²).

با تعلیم و تربیت اسلامی فرزندان و با تزکیه روحی آنان در دامان مادران مذهب، سعادت و رشد جامعه در ابعاد مختلف دینی و معنوی و به دنبال آن در ابعاد دنیوی تأمین می‌شود. پس می‌توان گفت حق زنان بر جامعه بیش از حق مردان است؛ زیرا آنها تربیت‌کننده جامعه انسانی‌اند. امام (نیز با تشویق زنان به پاکسازی درونی و متصف شدن به صفات پسندیده می‌کوشید جامعه اسلامی را به بالندگی و شکوفایی برساند: «خانم‌های محترم، خودتان را تهذیب کنید و کودکان خودتان را تهذیب کنید؛ کودکان خودتان را اسلامی بار بیاورید که در اسلام همه چیز است»⁴³).

امام (همان‌گونه که در جامعه، زنان را به تهذیب درون ترغیب می‌نمودند، در خانواده خود نیز آن را در نظر داشت. در نامه‌ای خطاب به عروس خانواده، خانم طباطبایی چنین نوشت: «دخترم، غرور و امیدهای کاذب شیطانی را کنار گذار و کوشش در عمل و تهذیب و تربیت خود کن... . دخترم، در رفع حُجُب کوشش کن نه در جمع کتب»⁴⁴.

6. انسان‌ساز بودن زنان

اگر امام (بر نقش‌آفرینی زنان در جامعه اسلامی تأکید دارند و زنان مسلمان را به پیروی از الگوی نمونه زنان عالم تشویق می‌کند، به دلیل انسان‌ساز بودن زنان است؛ نقشی که میان قرآن، پیامبران و زنان مشترک است؛ زیرا هدف هر سه، تربیت انسان‌ها و ساختن روح انسان در مسیر برنامه‌های الهی است. زنان می‌توانند در دامن خود انسان‌هایی را پروراند که شایستگی خلیفه‌اللهی را داشته باشد و این همان هدف و رسالت پیامبران است.

زنها، مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند و قرآن کریم انسان‌ساز است و زنها نیز انسان‌ساز. وظیفه زنها انسان‌سازی است. اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشود، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد. شکست خواهند خورد، منحنط خواهند شد.⁴⁵

باید توجه داشته باشید که بچه‌هایی که پیش شما تربیت می‌شوند، تربیت دینی بشوند، تربیت اخلاقی بشوند. اگر یک بچه متدین را تحویل جامعه بدهید، یک وقت می‌بینید همین بچه متدین و متعهد یک جامعه را اصلاح می‌کند. یک فرد ممکن است یک جامعه را اصلاح بکند. بنابراین، اگرچه خدای نخواستہ این بچه از دامن شما درست از کار در نیاید، از تحت تربیت شما که معلم هستید، درست از کار در نیاید، ممکن است یک بچه، یک جامعه را فاسد کند و شما مسئول باشید.⁴⁶

امام (معتقد است اصلاح و یا افساد جامعه به دست یک نفر هم امکان‌پذیر است؛ آن‌گونه که خود نمونه این باور بود. امام (با تربیت صحیح مادر و عمه بزرگوارش، موفق شد که بنیان حکومت‌های سلطنتی دو هزار و پانصد ساله را فروریزد و جامعه‌ای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی پی‌ریزی کند. وی با تکیه بر ایمان و توکل بر خداوند، در برابر ابرقدرت‌های بزرگ خارجی و استبداد داخلی ایستاد و سرنوشت ملت ایران و جهان را تغییر داد.



زن برای اینکه بتواند وظیفه خطیر انسان‌سازی را به بهترین شکل انجام دهد تا به گفته امام (، مسئول فساد جامعه نگردد، لازم است ابتدا خود، صفات نیکو کسب کند تا بتواند آنها را به فرزندان بیاموزد. مادرانی که از نقش مربی‌گونه خود آگاهند، برای انجام شایسته مسئولیت خود تلاش می‌نمایند و در نتیجه فرزندان را به جامعه تحویل می‌دهند که حاضرند جانشان را فدای باورهای دینی خود نمایند. امام (این‌گونه این مادران را می‌ستاید: «رحمت واسعه خداوند بر آن مادران و پدرانی که شما شجاعان نبرد در میدان کارزار و مجاهدان با نفس در شب‌های نوارنی را در دامان پاکشان تربیت نمودند».⁴⁷

ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: «رحمت خداوند بر این دامن‌های پاکی که پروراننده این جوانان شیردل می‌باشند».⁴⁸ این جمله نیز از عبارات مشهور حضرت امام (است که می‌فرماید: «از دامن زن، مرد به معراج می‌رود».⁴⁹ این سخن، اشاره به نقش مهم زن در ارتقای معنویت جامعه دارد. کسی که به مقام عروج می‌رسد، خود مدارج معنویت را طی نموده و از نظر امام (زن، در رسیدن وی به این جایگاه، نقشی اساسی دارد.

با تأمل در کلام امام (در می‌یابیم که امروزه رسیدن به قله کمال و تعالی مشروط به تربیت یافتن در مکتبی است که مریبان آن فاتحان جهاد با نفس بوده و در دام‌های شیطانی گرفتار نیامده باشند. مادران می‌توانند با نیروی ایمان، فرزندان را تعلیم و آموزش انسانی و الهی دهند که حافظ میراث پیامبران و پاسدار ارزش‌ها و اهداف آنان باشند.

شما می‌توانید بچه‌هایی را تربیت کنید که حفاظت از انبیا بکنند، حفاظت از آمال انبیا بکنند. شما هم خود حافظ باید باشید و هم نگهبان درست کنید. نگهبان، اولادهای شما هستند، آنها را تربیت کنید. خانه شما باید خانه تربیت اولاد باشد، منزل علم است منزل شما و منزل تربیت علمی، تربیت دینی، تهذیب اخلاق.⁵⁰

نتیجه

از مجموع آنچه بیان شد، می‌توان به این نتیجه رسید که زن در اندیشه امام (دارای جایگاه والایی است و ایشان، زنان را در کسب فضیلت‌ها و صفات نیکو، هم‌رتبه مردان می‌داند. جملات و عبارات زیادی در مورد خودباوری، انسان‌سازی، تعلیم و تعلم، الگوسازی و مسئله حجاب از امام (بر جای مانده است. در این سخنان با بیانی ساده معانی ژرفی بیان شده است و همانند منشوری جاویدان است که اگر دستورالعمل زنان و دولت‌های اسلامی قرار گیرد، موجب سعادت و هدایت می‌شود.

از دیدگاه امام (زن، نه فقط با حضور مثبت و سازنده خود در جامعه، بلکه با حضور در روان و ذهن مردان و فرزندان و در نهایت با حضور در روحیات جامعه، مسیر اصلی جامعه و تکامل انسانی را تعیین می‌کند. بنابراین، زنان در هر جامعه‌ای تعیین‌کننده مسیر حرکت آن جامعه‌اند. از این رو امام (زن را رهبر جامعه می‌داند.

امام (که زن را مربی جامعه می‌شناسد، باور داشت که سعادت و شقاوت کشورها وابسته به وجود زنان است و این زن است که با تربیت صحیح خویش، انسان می‌سازد و کشور و جامعه را به سوی اصلاح پیش می‌برد. پس زنان باید در کسب فضایل و کمالات روحی و معنوی تلاش نمایند؛ چرا که در رشد دادن معنویت در جامعه نقش شایانی دارند.

امام (نگاهی دوسویه به زنان داشت، از طرفی بر حفظ شوون اسلامی و انسانی زنان تأکید می‌نمود و از سوی دیگر این مسئله را با حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی در تقابل نمی‌دید. از نگاه امام (شخصیت واقعی زنان با حبس شدن در خانه و پیچیده شدن در میان چادر محفوظ نمی‌ماند؛ چه آنکه حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی که مناسب شوون آنان است، امری ضروری است. زنان بدون حضور در میدان‌های اجتماعی، نمی‌توانند نقش اصلی و سازنده‌ای در ارتقای معنویات جامعه ایفا نمایند؟



خانم مصطفوی، دختر امام خمینی (در مورد بازگرداندن شخصیت زنان در دوره معاصر می گوید:

امام (به زنان آبرو داد. امام (بود که زنان را مربی جامعه خواند و به ملت شریف ایران این باور را القا کرد که اگر زنان را در عرصه های اجتماعی و سیاسی باور نکنند، رشد حقیقی و اسلامی نخواهند داشت.⁵¹

به نکته مهم دیگری نیز باید پرداخت که ایشان نه فقط مباحث یاد شده را به صورت نظری بیان می کرد، بلکه در زندگی شخصی و خانوادگی نیز به آنها جامه عمل می پوشاند. امروزه می بینیم که بانوان بیت امام (، هم در عرصه های علم و تقوا موفق اند و هم در میادین اجتماعی و فرهنگی. دختر امام (در این مورد می گوید: «حضرت امام (نه تنها با پیام های خود زنان را به وظایف و توانایی های خود آگاه کرد، بلکه عملکرد حضرت امام (در خانه، توسط خانواده و نزدیکان ایشان برای ملت ایران تبیین می شد».⁵²

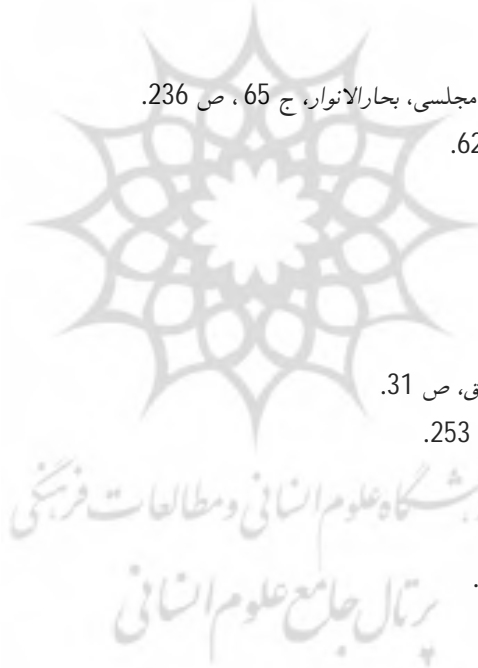
سخن را با جملاتی نغز از مقام معظم رهبری (مدظله العالی) که میراث دار برحق اندیشه حضرت امام (در دنیای معاصرند، به پایان می بریم:

اگر زن در جامعه بتواند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی که خدای متعال و آیین الهی برای همه انسان ها به طور یکسان در نظر گرفته است، برسد، تربیت فرزندان بهتر خواهد شد، محیط خانواده گرم تر و باصفا تر خواهد شد، جامعه پیشرفت بیشتری خواهد کرد، گره های زندگی آسان تر باز خواهند شد.⁵³

پی‌نوشت‌ها

1. روح الله خمینی، صحیفه نور، ج 7، ص 117.
2. شکوه نوایی نژاد، «نقش تربیتی زن از دیدگاه امام خمینی (ره)»، ص 136.
3. نساء: 1
4. روزنامه کیهان، 10 / 5 / 1375.
5. عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، ص 76.
6. اسراء: 70
7. عبدالله جوادی آملی، جایگاه اخص و ممتاز زن، ص 18.
8. میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسایل، ج 15، ص 180.
9. دفتر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، حدیث ولایت، ج 2، ص 141.
10. همان، ص 275.
11. حدید: 12
12. محمدرضا زیبایی نژاد و محمدتقی سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص 56.
13. جمال محمد فقی رسول، زن در اندیشه اسلام، ص 15.
14. صحیفه نور، ج 11، ص 253.
15. «نقش تربیتی زن از دیدگاه امام خمینی (ره)»، ص 137.
16. صحیفه نور، ج 11، ص 253.
17. همان، ج 5، ص 153.
18. همان، ج 6، ص 194.
19. همان، ج 16، ص 125.
20. همان، ج 6، ص 185.
21. همان، ج 3، ص 82.
22. همان، ج 6، ص 185.
23. همان، ج 5، ص 177.
24. عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج 7946.

25. احزاب: 21
26. زهرا رهنورد، «اسلام، زن، فمینیسم از دیدگاه امام خمینی»، مجموعه مقالات اسلام، زن، فمینیسم، ج 2، ص 167.
27. صحیفه نور، ج 16، ص 125.
28. همان، ج 5، ص 283.
29. شنبه 67/11/8.
30. صحیفه نور، ج 21، ص 76.
31. «میزگرد جایگاه زن با رویکرد فرهنگی، هنری»، مجموعه مصاحبه‌ها و گفتمان‌های علمی، ج 1، ص 179.
32. صحیفه نور، ج 19، ص 121.
33. الخمينی، روح الله، كشف الاسرار، ص 213.
34. مستدرک الوسائل، ج 17، ص 249.
35. صحیفه نور، ج 19، ص 121.
36. همان، ج 18، ص 99.
37. همان، ج 19، ص 33.
38. محمدباقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج 65، ص 236.
39. صحیفه نور، ج 8، ص 62.
40. همان، ص 163.
41. همان، ج 6، ص 260.
42. همان
43. همان، ج 7، ص 17.
44. روح الله خمینی، ره عشق، ص 31.
45. صحیفه نور، ج 11، ص 253.
46. همان، ج 7، ص 76.
47. همان، ج 16، ص 96.
48. همان، ج 18، ص 224.
49. همان، ج 6، ص 194.
50. همان، ص 282.



51. فریده مصطفوی، «احیاء شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی»، مجموعه مقالات کنگره احیای تفکر دینی از دیدگاه امام، ج 2، ص 300.
52. همان
53. دفتر مقام معظم رهبری، زن از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص 88.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

گزاره

فصلنامه علمی در محراب معارف زنان و خانواده (پیاپی ۱۰۰)

فهرست منابع

1. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، شرح از جمال الدین خوانساری، تهران، دانشگاه تهران، 1360 ق.
2. امین‌زاده، محمدرضا، جایگاه اخص و ممتاز زن، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، 1380.
3. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، قم، نشر اسراء، 1377 ش.
4. خمینی، روح‌الله، ره عشق، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)، 1377 ش.
5. _____، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1378 ش.
6. _____، کشف الاسرار، تهران، [بی‌نا]، [بی‌تا].
7. دفتر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، حدیث ولایت، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، بی‌تا.
8. _____، زن از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، تهران، نشر نوادر، 1378 ش.
9. روزنامه کیهان، 10 / 5 / 1375.
10. زیبایی‌نژاد، محمدرضا و محمدتقی سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم، نشر نصاب، 1382 ش.
11. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق.
12. محمدتقی رسول، جمال، زن در اندیشه اسلام، ترجمه محمود ابراهیمی، تهران، نشر احسان، 1383 ش.
13. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت، 1407 ق.

مجموعه مقالات

1. «میزگرد جایگاه زن با رویکرد فرهنگی، هنری، مجموعه مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای علمی»، مجله حضور، ش 30، زمستان 1378 ش.
2. رهنورد، زهرا، «اسلام، زن فمینیسم از دیدگاه امام خمینی (ره)»، مجموعه مقالات اسلام، زن، فمینیسم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تهران، 1378 ش.
3. مصطفوی، فریده، «احیاء شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (ره)»، مجموعه مقالات کنگره احیای تفکر دینی از دیدگاه امام خمینی (ره).
4. نوابی‌نژاد، شکوه، «نقش تربیتی زن از دیدگاه امام خمینی (ره)»، مجموعه مقالات کنگره امام خمینی (ره) و نقش زن، تهران، کمیته انتشارات ستاد، 1378 ش.